

قصه

## ترانه شاد کامواها



یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، یه دختر کوچولو به اسم «ترانه» بود که بافتن کامواهای رنگارنگ رو از مادر بزرگ مهربون و باحوصلهش یاد گرفته بود. ترانه کوچولو، یه روز صبح که چشمهاش رو باز کرد و از خواب بیدار شد، از پشت پنجره دید داره برف می باره و همه جا سپید و ساکنه. سوزی که از درز در و پنجره ها داخل می اومد، اونقدر سرد بود که ترانه دلش نمی خواست از تخت خواب بیاد بیرون. اما کمی بعد، یه تصمیم خوب گرفت. دست و صورتش رو شست، لباس های گرمش رو پوشید، کامواهای رنگی که هدیه مادر بزرگش بود رو آماده کرد و شروع کرد به بافتن: یه شال گردن بزرگ برای گربه کوچولوی توی حیاط، یه ژاکت گرم و نرم برای خانم مرغ و جوجهش و یه کلاه قشنگ برای خودش. اینطوری بود که روز های زمستونی ترانه و دوستان کوچولوش، گرم و روشن شد. شمار روز های زمستونی تون رو و چه جوری می گذروید؟

سلام

## روز هاتون رنگی رنگی!

یه سلام زمستونی به دوستان خوب و مهربونم؛ دوستان شاد صبحه فر فره. یه سلام گرم و پرانرژی به همه دختر و پسرهای گلی که دوست من و کوشا و این صبحه هستند و هر شنبه منتظر می موندن تا با حرف ها و قصه ها و شعرها و یک عالمه کار دستی و سرگرمی، از راه برسیم و دیدار تازه بشه. ما خوشحالیم که دوستان خلاق و خوش فکری مثل شما داریم، امیدوارم شما هم از بودن با ما، شاد باشید. دوستتون داریم.



دوستتون داریم.

شعر

## ازدها

آمده پایین دما، در هوای سرد سرد  
با کلاه و ژاکتند، هم جوان هم پیر مرد  
جوی های بخ بسته اند، میوز دهر لحظه باد  
می روم من مدرسه، باز هم خندان و شاد  
از دهانم هی بخار، می رود توی فضا  
می شوم در این هوا، من شبیه ازدها!

شاعر: عفت زینلی



## دور همی

شعر

یک غذای خوشمزه، هست بر روی اجاق  
بوی آن پیچیده است، در حیاط و در اتاق  
پرشده از قوم و خویش، هم اتاق و هم حیاط  
خانه را پر کرده است، خنده، شادی و نشاط  
روز تعطیل است و باز، دور هم جمعیم ما  
هست تعطیلی چه خوب،  
دوست دارم جمعه را!

شاعر: عفت زینلی



## غول بزرگ مهربان



بچه ها! حتما اگر یک غول را ببینید که دار دبه سمت شما می آید داد می زنید «غول... غول...! فرار کنید!» اما از کجا معلوم؟ شاید آن غول آن قدر همد که فکر می کنید ترسناک نیست، اصلا شاید همان قدر که خودش بزرگ است، قلبش هم بزرگ باشد. درست مثل غول فیلم «غول بزرگ مهربان»! این فیلم که به تازگی وارد شبکه نمایش خانگی شده، قصه سوفی، دختر کوچکی است که با یک غول بزرگ گرسنه، اما مهربان آشنا می شود و هر دو یک جورهایی به هم کمک می کنند. حتما ببینید و لذت ببرید.

رنگین کمان

## دنیای شگفت انگیز ما!

دوستان خوبم؛ دنیای اطراف ما، مجموعه بزرگ و شگفت انگیزی از گیاهان، حیوانات، حشرات و موجودات عجیب و دیدنی است. حیوانات و حشرات که شاید تا به حال ندیده باشید و اصلا نمی دونستید که وجود دارند. امروز با بعضی از اون ها آشنا می شیم.



گوسفند برگی دریایی

ماهی کله شیشه ای

مورچه پاندا

پروانه بال شیشه ای

ملخ صورتی

کرم چشم گریه ای

کبوتر میوه خوار

سوسک های رنگارنگ

قورباغه چشم سرخ و بچه ها

تینکر توی، کوچک ترین گربه دنیا

## با «همستر» آشنا بشیم

دانستنی ها

همستر؛ Hamster

- همستر، یک نوع موش بزرگ و پشمالوست.
- همستر، مثل بقیه موش ها جزو گروه جوندگان به حساب می آید.
- اندازه همستر، معمولاً یک کف دست است.
- خانه همستر، در طول روز زیر زمین و در طول شب، سطح زمین است.
- غذای همستر، میوه و گیاه و گاهی هم حشرات است.



زندگی همستر چه جوریه؟

- همستر کوچولو، از کنار هر چیزی که رد می شد، چند لحظه می ایستاد و لمسش می کرد و دوباره به راهش ادامه می داد. چون همسترها چشم هاشون ضعیفه و راهشون رو از طریق لمس و حس بویایی پیدا می کنند.

- همستر قصه ما، هر خوراکی که پیدا می کرد رو توی دهن بزرگش نگه می داشت تا برسونه به پناهگاهش. چون همسترها توی دهنشون به اصطلاح یه «جیب» بزرگ دارند که کمک می کنه غذا رو جابه جا کنند.

- مامان همستر، بچه تازه به دنیا اومده اش رو لیس زد و شیر داد. چون همسترها بچه به دنیا میارن و به اصطلاح، پستاندار هستند.

- شب که شد، همستر کوچولو چشم هاش رو بست و خوابید تا فردا صبح، سرحال بیدار بشه و شروع کنه به بازی و جست و خیز.



همستر کوچولوی بازیگوش

بچه ها! همسترها حیوانات پرانرژی و فعالی هستند و بازی رو خیلی دوست دارند.